انترناسیونال ۷۰۶

**فدرالیسم راه حل هیچ معضل و مشکلی نیست**

سوال از محمد آسنگران درباره قطعنامه "تجربه کردستان عراق و راه حل مسئله ملی کرد" مصوب کنگره دهم حزب.

**انترناسیونال:** قطعنامه "تجربه کردستان عراق و راه حل مسئله ملی کرد" درباره تجربه شکست الگوی حکومتی احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق صحبت می کند. در این قطعنامه به نقش نیروهای ناسیونالیست در ایران بطور مختصر اشاره شده است. از این تجربه بطور مشخص در باره ایران چه نتایجی میتوان گرفت؟

**محمد آسنگران:** اولین نتیجه شکست الگوی حکومتی احزاب ناسیونالیست کرد در چهارچوب حکومت فدرالیستی عراق این است که فدرالیسم راه حل هیچ معضل و مشکلی نیست. نه تنها راه حل نیست بلکه همچون کردستان عراق این الگوی حکومتی باعث کشمکش و جدال ناسیونالیستهای دو طرف خواهد شد. با شکست الگوی فدرالیسم کردستان عراق تمام طرحهای فدرالیستچی های ایران هم بی اعتبار میشود.

ما تاکنون با اتکا به اصول و مبانی تئورئ و سیاست واقع بینانه چپ و انسانی در نقد الگوهای فدرالی و خودمختاری خودگردانی و... باید تلاش میکردیم جامعه را از شر چنین طرحهایی تفرقه افکنانه ای محفوظ داریم. باید با استدلال ثابت میکردیم که فدرالیسم نه تنها راه حل نیست بلکه خود مبنا و عامل تفرقه قومی و ملی میشود. اکنون در اولین تجربه این الگو در کردستان عراق شکست خورده است و بانیان و مدافعین این الگوی حکومتی در کردستان عراق همگی اعلام کرده اند که الگوی حکومتی فدرالیسم نه تنها مشکلی را از مردم کردستان حل نکرد بلکه شکست خورد و باید به دنبال راه حل دیگری باشند. بارها تاکید کرده اند سیستم حکومتی فدرالیسم شان نه تنها شکست خورده است بلکه باعث و عامل مشکلات دیگری هم شده است. این تجربه کمک میکند مردم ایران و مردم کردستان ایران پاسخ قاطع رد به طرح ناسیونالیستها و قومپرستان برای فدرالی کردن ایران بدهند.

ما در این قطعنامه یک بار دیگر تاکید کرده ایم که راه حل ستم ملی رفع ستم ملی به معنی قانونی شدن حقوق برابر همه شهروندان است و راه حل مسئله کرد برگزاری رفراندومی آزاد در مناطق کرد نشین است که مردم به ماندن در چهارچوب کشور فعلی یا جدا شدن از آن رای بدهند. در مورد کردستان عراق هم اعلام کرده ایم که سیاست ما حمایت از استقلال کردستان عراق است و باید مردم این منطقه در نتیجه یک رفراندوم بتوانند کشور مستقل خود را داشته باشند.

**انترناسیونال:** در مقابل ناسیونالیسم و احزاب ناسیونالیستی چه نیروی اجتماعی و سیاسی وجود دارد و چگونه می توان آنرا تقویت کرد؟

**محمد آسنگران:** اگر منظورتان کردستان ایران است کافی است به تاریخ سه چهار دهه اخیر نگاه کنیم و جنبش قوی و موثر چپ و کارگری را ببینیم که عروج احزاب سیاسی چپ هم بر متن همین مولفه شکل گرفته اند. عروج جنبش کارگری و چپ کردستان اگر چه قدمت زیادی ندارد اما با انقلاب 57 شرایطی ایجاد شد که بسرعت رشد کند و به یک پای تحولات سیاسی تبدیل شود. از مقطع انقلاب 57 به بعد ما در کردستان شاهد عروج یک جنبش کارگری و چپ در بعد اجتماعی هستیم که مهر خودش را بر تمام تحولات این جامعه زده است. نفوذ و عروج سازمانها و احزاب چپ در کردستان و مقابله با سنتهای ناسیونالیستی و عقب مانده بر کسی پوشیده نیست.

اکنون ما در کردستان از یکطرف شاهد جدال جنبشهای اعتراضی علیه حکومت مرکزی هستیم و از طرف دیگر جنبش سوسیالیستی در مقابل جنبش ناسیونالیستی کرد در جدالی دائمی بسر میبرند. ناسیونالیسم کرد اگرچه قدمت طولانی تر و با سنتهای عقب مانده عجین است و برای بخش سنتی جامعه خودی محسوب میشود، اما در مقابل آن جنبش رو به گسترش و بالنده سوسیالیستی با اتکا به عروج و قدرتمند شدن جنبش کارگری توانسته است به عنوان یک جنبش اجتماعی جایگاه مهم و قابل اتکایی برای بخش پیشرو و مدرن جامعه پیدا کند.

جدال این دو جنبش و عروج جنبش سوسیالیستی در کردستان نه تنها تصویر و مضمون مبارزات و مطالبات مردم کردستان ایران را نسبت به بخشهای دیگر کردستان در کشورهای دیگر متفاوت کرده است، حتی در چهارچوب ایران هم جنبش کارگری و سوسیالیستی کردستان حامل سنتهای پیشرو و انسانی ای بوده است که در بسیاری موارد بقیه بخشهای جنبش کارگری در ایران را تحت تاثیر قرار داده است.

بنابر این ما در کردستان ایران شاهد دو جنبش اجتماعی و طبقاتی متفاوت هستیم. جنبش ناسیونالیستی به عنوان یک جنبش بورژوایی و جنبش سوسیالیستی که از دل مبارزه طبقه کارگر و جنبش کارگری برآمده است. این دو جنبش و احزاب بر آمده از آنها اگر چه هر کدام با اهداف متفاوت خودشان در جدالی دائمی علیه جمهوری اسلامی بسر میبرند، اما همزمان هر کدام از این جنبشها تلاش میکنند افق و اهداف خود را بر جامعه کردستان مسلط کنند. ما با اتکا به نیازها و ضرورتهای مبارزه جنبش کارگری و نیاز جامعه مدرن امروز کردستان برای رسیدن به آزادی و رهایی از قید وبندهای جامعه سرمایه داری باید در مقابل جمهوری اسلامی و جنبشهای عقب مانده جنبشهایی را تقویت کنیم که هم اکنون در راس مبارزات حق طلبانه مردم قرار دارند. علاوه بر جنبش کارگری ما اکنون در کردستان شاهد جنبش برابری طلبانه زنان، جنبش دفاع از حقوق کودک، جنبش دفاع از محیط زیست و جنبش حقوق مدنی و علیه اعدام و... هستیم. با اتکا به جنبش رادیکال و چپ اجتماعی در کردستان هر کدام از این جنبشها جایگاه مهم و تعیین کننده ای پیدا کرده اند.

کمونیستها با تقویت این جنبشهای انقلابی میتوانند هم برای سرنگونی جمهوری اسلامی موثرتر عمل کنند و هم با گسترش هژمونی جنبش سوسیالیستی امکان همبستگی مردم کردستان و بقیه مناطق ایران بیش از پیش تقویت کنند. این سیاست و جهتی است که ما دنبال میکنیم و از همه نیروهای چپ و آزادیخواه میخواهیم در این جهت فعالیت خود را سازمان بدهند.